

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده‌ای از نیایش‌های امام علی (ع)

گزینش و ویرایش:
دکتر محمود مهدوی دامغانی

ترجمه:
کمال‌الدین غراب

سرشناسه:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور:	Ali ibn abi-Talib, Imam I, 600-661' گزیده‌ای از نیایش‌های امام علی (ع)/گزینش و ویرایش محمود مهدوی دامغانی؛ ترجمه کمال‌الدین غراب.
مشخصات نشر:	مشهد: جهاد دانشگاهی، واحد مشهد، انتشارات، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری:	۲۴۰ ص.
فروست:	انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد؛ ۶۲۰
شابک:	978-964-324-567-2
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا
یادداشت:	چاپ قبلی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۲۳۸] - ۲۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع:	دعاها Prayers
شناسه افزوده:	مهدوی دامغانی، محمود، ۱۳۱۵ -
شناسه افزوده:	غراب، کمال‌الدین، ۱۳۳۵ -، مترجم
شناسه افزوده:	جهاد دانشگاهی. واحد مشهد. انتشارات
رده‌بندی کنگره:	BP۲۶۷
رده‌بندی دیویی:	۷۷۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی:	۱۰۱۰۱۶۳۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	



انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد

مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه، سازمان مرکزی جهاد دانشگاهی خراسان رضوی

ص. پ. ۱۳۷۶ - ۹۱۷۷۵ تلفن: ۳۱۹۹۷۳۲۱ دفترپخش: ۳۱۹۹۷۳۲۶

info@jdmpress.com

www.jdmpress.com

گزیده‌ای از نیایش‌های امام علی (ع)

گزینش و ویرایش: دکتر محمود مهدوی دامغانی

ترجمه: کمال‌الدین غراب

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: رضا نیک‌ذات / چاپ و صحافی: من چاپ

چاپ اول / تابستان ۱۴۰۴ / ۲۰۰ نسخه / شماره‌نشر ۶۲۰

ISBN: 978-964-324-567-2

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۴-۵۶۷-۲

کلیه حقوق نشر برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال

فهرست

پیشگفتار گزینشگر و ویراستار.....	۸
پیشگفتار مترجم.....	۱۵
نیایش ها.....	۲۵
۱. عاشقانه.....	۲۰
۲. در شمار بی‌نویان.....	۲۱
۳. در آزمون.....	۲۱
۴. در برابر ستایش مردم.....	۲۱
۵. چونان که خضر خواند.....	۲۲
۶. ای بنده‌نواز.....	۲۲
۷. ای کاش می‌دانستم.....	۲۳
۸. تو بخشنده‌تری یا من؟.....	۲۴
۹. از خواب‌های آشفته.....	۲۴
۱۰. به خاطر گناهانمان.....	۲۵
۱۱. افطار.....	۲۵
۱۲. دمساز من در سفر.....	۲۶
۱۳. بی‌نیازی بادا!.....	۲۷
۱۴. در اصلاح مخالفان.....	۲۸
۱۵. در چشم تو.....	۲۸
۱۶. من و این روز.....	۲۹

۱۷.	بی‌چگونگی	۳۰
۱۸.	غریق نوازش	۳۱
۱۹.	از نیکویی‌های او	۳۱
۲۰.	پنج خواسته این جهانی	۳۲
۲۱.	در کنار مانده	۳۲
۲۲.	سپاس بر روزی	۳۳
۲۳.	تو دلسوز و مهربانی	۳۴
۲۴.	گذشت!... گذشت!	۳۵
۲۵.	رویاری در کارزار	۳۶
۲۶.	زیر پوست آسمان	۳۷
۲۷.	آه از من	۳۸
۲۸.	«ایمنی از تو مهابت هم ز تو»	۳۹
۲۹.	دنیا	۴۰
۳۰.	آزمون سخت	۴۲
۳۱.	پاک آن خدایی که	۴۳
۳۲.	پس از نماز	۴۴
۳۳.	در تهییج یاران به جهاد	۴۵
۳۴.	در آن شب هولناک	۴۶
۳۵.	گناهانی که ...	۴۸
۳۶.	ای یگانه	۴۹
۳۷.	اعتراف	۵۰
۳۸.	گزینش درست و نیک	۵۱
۳۹.	در حفظ قرآن	۵۲
۴۰.	ای همه ساز و برگ من	۵۴
۴۱.	به شماره شب‌ها و روزگاران	۵۵
۴۲.	در بیماری	۵۷
۴۳.	بهترین همدم	۵۸
۴۴.	در دل شب	۶۰
۴۵.	بن‌مایه‌های شناخت	۶۱
۴۶.	برای همه عمر	۶۳

۴۷.	مرا خردی روزی کن که...	۶۵
۴۸.	در کارزار	۶۶
۴۹.	بیداری در بامداد	۶۸
۵۰.	ای دارای نام‌های ستوده	۷۱
۵۱.	در آغاز ماه نو	۷۳
۵۲.	ناسپاسی	۷۵
۵۳.	خوشا بدین نیک‌بختی	۷۷
۵۴.	راهی به سوی تو	۷۹
۵۵.	ای خورشید زیبا!	۸۱
۵۶.	به نام سربه‌مهر تو	۸۳
۵۷.	تطهیر اندام	۸۵
۵۸.	در راستای تقدیر	۸۹
۵۹.	ای گشایشگر	۹۲
۶۰.	نیایش اندوه	۹۵
۶۱.	در راه یمن	۹۹
۶۲.	هم‌کلام با جبرئیل	۱۰۳
۶۳.	توصیف بی‌توصیف	۱۰۸
۶۴.	سفر از خویشتن	۱۱۲
۶۵.	در راه‌های سخت	۱۱۸
۶۶.	سپاسگزاری	۱۲۳
۶۷.	از تو زنه‌ار می‌خواهم	۱۳۰
۶۸.	نیایش بامدادان (دعای صباح)	۱۳۷
۶۹.	مناجات شعبانیه	۱۴۷
۷۰.	دعای کمیل	۱۶۴
۷۱.	الهی! الهی! الهی!	۱۸۷
۷۲.	عتاب خویش	۲۳۶
۲۳۸.	مراجع	

پیشگفتارِ گزینشگر و ویراستار

با عرض بندگی و نیاز به بارگاه خداوند و تقدیم ادب به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت که درودهای بی‌کران پروردگار بر آن وجود فرخنده و برگزیدگان خاندان گرامیش باد، و با سپاس از حسن ظن مترجم گرانسنگ، به عنوان مقدمه‌ای نه‌چندان مفصل چند نکته را یادآور می‌شوم:

۱. شمار آیه‌های قرآن که مربوط به نیایش و عرض نیاز به معبود است نزدیک به سیصد آیه است. توجه خواهید فرمود که این مقدار یعنی حدود یک‌بیستم آیات قرآن^۱.

برای آگاهی از معنای گوناگون کلمه «دعا» که در آیات قرآن آمده است، باید به کتاب‌هایی که در این مورد از دیرباز نوشته شده است مراجعه کرد و توجه فرمایید که دعا به معنی عبادت و پرستش در چند آیه دیده می‌شود. گاهی به معنی فراخواندن برای عذاب به کار رفته است؛ مانند آیه هفدهم سوره هفتادم (معارج)^۲.

پروردگار مهرورز پذیرش دعا و برآوردن نیاز نیازمندان را در چندین آیه و ازجمله در آیه یکصد و هشتاد و ششم سوره بقره نوید داده است؛ در این آیه لطافتی نهفته است که قشیری آن را موشکافانه روشن ساخته است^۳.

به این نکته هم اشاره می‌کنم که در آیه آخر سوره فرقان آمده است: «اگر پرستش و دعا کردن

۱. مراجعه فرمایید به کتاب ادعیه القرآن شهرستانی و الادعیه و التهلیلات سید محمدباقر شهیدی.

۲. نگاه فرمایید به قاموس قرآن فقیه دامغانی (سده ششم قمری)، بیروت ۱۹۷۰م، ص ۱۷۴

۳. نگاه فرمایید به لطائف الاشارات، قشیری، مصر، بی تا، ص ۱۶۸

شما نباشد پروردگار من به شما عنایتی نخواهد فرمود»^۱.
و باید توجه داشت که در چند آیه چگونگی دعاکردن گفته شده است. برای نمونه در آیه پنجاه و پنجم سوره اعراف چنین آمده است: «أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً» (پروردگار خود را با زاری و آرام فراخوانید)، و در آیه دویست و پنجم همان سوره خطاب به حضرت ختمی مرتبت آمده است: «وَ أَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» (خدای خود را در دل خویش همراه با بیم و زاری و بدون صدای بلند فراخوان)^۲. در آیه هفدهم سوره سجده فرموده است «يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا» (پروردگارشان را با بیم و امید فرامی خوانند)^۳.
برای آگاهی بیشتر از آداب دعا به کتاب محجة البیضاء فیض کاشانی که در تهذیب کتاب احیاء العلوم غزالی تألیف شده است، مراجعه شود که از منابع بسیار ارزنده در این باره است.^۴
۲. امیرالمومنین علی^(ع) و دعا:

حضرت امیر^(ع) شهره به فراوانی دعاکردن است. می دانیم که حضرت سجاد^(ع) هم از برگزیده ترین رهپویان این حالت پسندیده است. اینک داوری حضرت سجاد را در این مورد ملاحظه فرمایید، آن هم به روایت حضرت باقر^(ع) که می فرماید: پدر بزرگوام را در حالی دیدم که از بیدار خوابی و گریستن رنگ رخسارش زرد شده و چشم هایش متورم است و ساق پا و پشت پاهایش آماس کرده و سخت در حال گریستن است؛ به گریه افتادم، پس از اندکی به من فرمود پسر عزیزم یکی از کتاب های دعای جدم امیرالمومنین علی^(ع) را بیاور. اندکی از دعاها را خواند و با دلتنگی و اندوه کتاب را کنار گذاشت و گفت چه کسی را توان انجام عبادت علی^(ع) فراهم است؟!^۵

ابونعیم اصفهانی (درگذشته به سال ۴۳۰ ق) در کتاب حلیۃ الاولیاء می نویسد که حضرت

۱. مراجعه فرمایید به مجمع البیان طبرسی، بیروت ۱۳۷۹ ق؛ و روض الجنان ابوالفتح رازی، اسلامیه، تهران ۱۳۸۵ ق، ج ۸، ص ۲۸۱

۲. آیات ۵۵ و ۲۰۵ سوره اعراف.

۳. آیه ۱۷ سوره حم سجده. همچنین به تفسیر ابوالفتح رازی و کشف الاسرار مبینی ذیل همین آیات رجوع فرمایید.

۴. به صفحات ۳۴۰ و ۲۶۵ ج ۲ محجة البیضاء فیض کاشانی به اهتمام علی اکبر غفاری چاپ دفتر انتشارات اسلامی قم بی تا، مراجعه فرمایید.

۵. ارشاد مفید، چاپ اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۲ ص ۱۴۲. مجلسی، بحار الانوار، چاپ اسلامی، تهران، بی تا، ج ۴۶ ص ۷۵

علی(ع) می‌فرموده است: از آن هنگام که رسول خدا(ص) تسبیحات معروف به نام حضرت زهرا(ع) را به ما آموزش دادند هرگز آن را ترک نکردم تا آنجا که در شب جنگ صفین هم آن‌ها را انجام دادم^۱.

برای آگاهی از گریستن و بی‌تاب‌شدن حضرت علی(ع) به هنگام دعا و مناجات به مطلب زیر دقت فرمایید، که آن را محدثان و مورخان ناموری همچون ابن‌ابی‌الدنیا (درگذشته به سال ۲۸۱ ق)، مسعودی (درگذشته به سال ۳۴۶ ق)، سید رضی (درگذشته به سال ۴۰۶ ق)، ابن‌عبدالبر (درگذشته به سال ۴۶۳ ق)، ابن جوزی (درگذشته به سال ۵۹۷ ق) و سرانجام ابن‌ابی‌الحدید شارح نامور نهج‌البلاغه در آثار خود آورده‌اند و خلاصه آن چنین است:

پس از شهادت حضرت امیر(ع) یکی از اصحاب ایشان به نام ضرار پیش معاویه رفت. معاویه از او خواست تا از حالات خوش حضرت امیر(ع) برای او بگوید. ضرار از معاویه خواست تا او را از این مسأله معاف بدارد. معاویه نپذیرفت. ضرار ضمن بیان احوال آن حضرت چنین گفت: «گواهی می‌دهم در یکی از جنگ‌ها به نیمه‌شب حضرتش را در محراب عبادتش ایستاده دیدم درحالی‌که ریش خود را در دست گرفته بود، اندوهگین می‌گریست و چون فرد مارگزیده بی‌تاب بود و به خود می‌پیچید و می‌گفت: ای دنیا! کس دیگری جز مرا بفریب، که من تو را سه طلاقه کرده‌ام و مرا حق رجوع نیست؛ عمر تو کوتاه و ارزش تو اندک است. آه از اندکی توشه و دور و درازی راه، و دشواری جایگاهی که سرانجام باید به آن رسید».

آورده‌اند که معاویه اشک تماش از دیده فرو ریخت و گفت: آری به خدا سوگند که ابوالحسن همین‌گونه بود^۲.

ادب و مسکنت حضرتش در پیشگاه پروردگار بزرگ را می‌توان از این مطلب که شیخ طوسی نوشته است فهمید: «کمیل بن زیاد نخعی می‌گوید: خود دیدم که امیرالمومنین تمام دعای خضر(ع) را در حال سجده تلاوت فرمود و من در آن حال دعا را فراگرفتم»^۳.

۱. ابونعیم اصفهانی، حلیۃ الاولیاء، چاپ مصر، ۱۹۳۲م، ج ۱ ص ۶۹

۲. ابن‌ابی‌الدنیا، مقتل امیرالمومنین علی(ع)، انتشارات تاسوعا، ۱۳۷۹ خورشیدی، ص ۱۲۲. مسعودی، مروج‌الذهب، چاپ باریبه دومینار، افسس، تهران، ۱۹۷۰ میلادی، ج ۴، ص ۴۴۷. سیدرضی، نهج‌البلاغه، کلمات قصار شماره ۷۵. ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۸ق. ابن جوزی، صفة الصفوة، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۵۵ق، ص ۱۲۲. و...

۳. شیخ طوسی، مصباح‌المتجهذ، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۲۰۰۷م، ص ۴۹۳.

احمد بن اسحاق معروف به اخطب خوارزم (درگذشته به سال ۵۶۸ ق) و شاگرد وفادار زمخشری در ستایش حضرت امیر^(ع) نیکو سروده است، آنجا که می گوید:

لله دُرُّ ابی تُرابٍ إِنَّهُ اسَدُ الحُرُوبِ وَ زینَةُ المِحْرَابِ

پاداش ابوتراب با پروردگار باد که او شیر ژیان جنگ‌ها و آرایش محراب است.

این قصیده سی و هشت بیت دارد و در آن نه بار از ترکیب «اِنَّ الوَصی» استفاده کرده است. همو در قصیده باینه دیگر خود که چهل و شش بیت است و شانزده بیت آن با کلمه علی آغاز می شود، اینگونه سروده است:

إذا ما مُقِلَّتِي رَمَدَتْ فَكُحْلِي تُرَابٌ مَسَّ نَعَلَ ابی تُرَابِ
محمَّدُ النَّبِیِّ كَمِصْرٍ عِلْمِ امیرُ الْمُؤْمِنِینَ لَهُ كَبَابِ
هُوَ الْبِکَاءُ فِی الْمِحْرَابِ لیلًا هُوَ الصَّحَاكُ فِی یَوْمِ الْحِرَابِ

هرگاه چشم من دردمند می شود توتیای آن خاک کفش ابوتراب است. آری پیامبر گرامی محمد^(ص) شهر دانش است و امیرالمؤمنین دروازه آن؛ همو که شب هنگام در محراب نیایش بسیار می گرید و به روز جنگ بسیار می خندد^۱.

آیا حقیقت گویی اخطب که پیرو مذهب حنفی است در خور ستایش فراوان نیست؟ به ویژه در آن چکامه زیبای خود که چنین سروده است:

لَقَدْ تَجَمَّعَ فِی الْهَادِیِ ابِی الْحَسَنِ مَا قَدْ تَفَرَّقَ فِی الْأَصْحَابِ مِنْ حَسَنِ

آنچه از نیکی و پسندیدگی که میان همه یاران پیامبر^(ص) پراکنده است، در وجود راهنمای ما ابوالحسن علی^(ع) فراهم آمده است^۲.

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری... و همین صفات پسندیده که گاه ضد یکدیگر به نظر می رسد و در آن حضرت آشکار است، صفی الدین حلّی را به سرودن چکامه معروف خود واداشته است که در منابع مختلف آمده است. صفی الدین شاعر برجسته سده هشتم و درگذشته به سال ۷۵۲ یا ۷۵۰ قمری است. چکامه صفی الدین با این بیت آغاز می شود:

جُمِعَتْ فِی صِفَاتِكَ الْأَصْدَادُ فَلِهَذَا عَزَّتَ لَكَ الْأَنْدَادُ

۱. مراجعه فرمایید به المناقب، موفق بن احمد خوارزمی، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۷ و ۴۰۳. سه قصیده اخطب خوارزم جمعاً یکصد و یازده بیت است.

۲. همان

صفتی که ضد یکدیگرند همگی در تو فراهم آمده است و بدین سبب برای تو همتایی به دست نمی‌آید^۱.

شیوایی و رسایی سخن امیرالمومنین زبانزد همگان و «قولی است که جملگی برآند». داوری ابن ابی الحدید بدین گونه است: «در شیوایی، حضرتش که بر او درود باد، سالار و سرور همه فصحا و بلغا است و در این باره گفته‌اند سخن علی (ع) فروتر از سخن آفریدگار و فراتر از سخن آفریدگان است^۲. آنگاه که مُحَفَّن برای خوشامد معاویه گفت «علی (ع) در آداب سخن در مانده است» معاویه گفت: وای بر تو باد؛ هیچ‌کس جز علی (ع) آداب فصاحت را برای قریش سنت نساخته است. و شاعری چنین سروده است:

كَلَامٌ عَلِيٌّ كَلَامٌ عَلِيٌّ و ما قالَهُ الْمُرتَضَى مرتضی

گفتار علی (ع) بلندمرتبه‌ترین گفتار است و آنچه مرتضی فرموده است سخت مورد پسند و خشنودی است^۳.

آهنگ دلنشین کلمه‌ها که از آوای عندلیب لطیف‌تر است در دعاهایی همچون دعای کمیل و فرازهای پایانی دعای صباح جلوه‌گر است. با آنکه حضرتش از پرده‌نشینان بوستان عصمت است، به خواننده چگونگی اقرار به خطا و لغزش را آموزش می‌دهد و این موضوع را می‌توانید در نیایش‌هایی که در این مجموعه آمده است، به روشنی احساس کنید.

و چنین است که بسیاری از مضامین نیایش‌های نبوی و علوی در کنار نیایش‌های قرآنی در نیایش‌های برگزیده نثر و نظم ایرانی جلوه‌گر شده است و می‌توان گفت یکی از مظاهر تفکر اسلامی در تمدن ملل مسلمان شده، همین تأثیرپذیری از ادعیه قرآنی و نبوی و علوی است. اگر سنایی و نظامی را از ستایش‌کنندگان برگزیده و نیایشگران ارزنده بدانیم - که به حق همین‌گونه‌اند - می‌توان این اثرپذیری را به روشنی در آثارشان دید. به خوانندگان ارجمند عرض می‌کنم که لطفاً به باب اول حقیقه سنایی و مناجات مخزن الاسرار و دیگر منظومه‌های نظامی مراجعه فرمایند و می‌افزایم که روان‌شاد احمد احمدی بیرجندی - که خدایش قرین آرامش ابدی بدارد - کتاب ارزنده‌ای با نام مناجات و دعا در شعر فارسی فراهم آورده که در

۱. برای آگاهی بیشتر از احوال و آثار صفی‌الدین حلی مراجعه فرمایید به اعیان‌الشیعه، سیدمحسن امین، ج ۸، ص ۱۹-۲۴. دارالمعارف بیروت ۱۴۰۳ قمری. و الدرر الکامنه، ابن حجر عسقلانی، دارالکتب الحدیثه، مصر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. مراجعه فرمایید به: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، مصر، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۲۴.

۳. مراجعه فرمایید به: الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقابزرگ طهرانی، بیروت، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۱۱.

سال ۱۳۷۱ خورشیدی در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی چاپ شده است. زحمت آن گرامی‌مرد، مشکور و پذیرفته درگاه حق باد.

نکته‌ای که باید گفته شود، فزونی‌هایی است که گاه در برخی جمله‌های ادعیه دیده می‌شود. شاید برخی از این موارد مربوط به اختلاف نسخه‌ها باشد و شاید برخی از نویسندگان، از پیش خود در متن دعا تصرف کرده باشند. برای آگاهی بیشتر در این مورد به اعتراض و شکایت محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی - که خدایش قرین آرامش ابدی بدارد- ضمن شرح زیارت وارث مراجعه فرمایید تا از درد دل آن بزرگوار و استادش بیشتر آگاه شوید و ملاحظه فرمایید که جعلی بودن زیارت مفجعه و دعای حنی را بررسی فرموده است.^۱

در این مورد باید از دانشی‌مرد بزرگوار سیدین طاووس فراگیریم که به صورت روشن در چند دعا نوشته است «این دعا را از تراوش ذهن خود می‌نویسم» و گاه می‌گوید «این دعا درباره برخی از مصیبت‌ها به خاطر فلان کس رسیده است».^۲

نکته دیگری که یادآوری آن لازم به نظر می‌رسد استفاده امامان بزرگوار و معصوم شیعه از نیایش‌های علوی در دعاهای خود ایشان است. با توجه به فراوانی دعا در خطبه‌های نهج‌البلاغه و آشنایی اهل بیت به آن‌ها و کتاب‌های دعای حضرت امیر^(ع) که میراث ارزنده آن حضرت است، بسیار طبیعی است که به عنوان مثال حضرت سجاد^(ع) در صحیفه خود از آن استفاده فرموده باشد. برای نمونه تمام دعای حضرت امیر^(ع) که به شماره دویست و بیست در شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید آمده است، در دعای بیستم صحیفه سجاده‌یه هم با اندک فزونی - که آن هم صلوات بر حضرت ختمی مرتبت و خاندان ایشان است - آمده است. این موضوع درباره نیایش‌های نبوی هم که در اختیار اهل بیت بوده است، دیده می‌شود؛ چنانکه حضرت امام حسین^(ع) در روز عاشورا همان دعایی را تلاوت فرمود که رسول خدا در بامداد روز بدر تلاوت فرموده بود؛ که به راستی از نیایش‌های ارزنده در گرفتاری‌های دشوار است.^۳

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، چاپ شرکت تضامنی علمی، تهران، ۱۳۱۶ خورشیدی، ص ۴۳۲ و ۴۳۶ و مفاتیح‌الجنان، چاپ آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱ خورشیدی، ص ۵۵۷.

۲. مراجعه فرمایید به: مهج الدعوات، ابن طاووس، چاپ افست کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۲۳ق، صفحات ۳۴۶ و ۳۳۶.

۳. به خطبه شماره ۲۲۵، با عنوان دعایی از آن حضرت، در نهج‌البلاغه، ترجمه روان‌شاد سیدجعفر شهیدی، و دعای بیستم صحیفه سجاده‌یه، فراز ۲۷، ترجمه روان‌شاد اسدالله مبشری، نشر نی، تهران ۱۳۸۱؛ و به نیایش ۱۲۲ نیایش‌های پیامبر (ص)، با گزینش و ویرایش اینجانب و ترجمه کمال‌الدین غراب، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۵، مراجعه فرمایید.

نکته دیگر آنکه گاه مشاهده می‌شود دعایی که در روزگار ما بسیار متداول است در متون کهن شیعی نیامده است. به عنوان مثال دعای عرفه حضرت سیدالشهداء(ع) در منابع سده‌های چهارم و پنجم مانند مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه شَيْخِ صَدُوق وَ التَّهْذِيب وَ مَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ شَيْخِ طُوسِي دیده نمی‌شود. حال آنکه شیخ طوسی که به حق شیخ الطائفه است تمام دعای عرفه حضرت سجاده(ع) در اعمال روز عرفه را نقل کرده و قرائت آن را سفارش فرموده است، و در منابع سده‌های میانی مانند آثار سیدبن طاووس و کفعمی آمده است. در این باره لطفاً به فرموده‌های مرحوم محدث قمی مراجعه فرمایید که در دنباله دعا در کتاب مفاتیح‌الجنان نوشته‌اند و تفاوت و فزونی‌ها را مشخص کرده‌اند.

این مقدمه ناخواسته مفصل شد. در پایان یادآور می‌شود که شرح و وصف ارزش والای مناجات‌های علوی از امثال این بنده، چنان که باید و شاید ساخته نیست.

وصف رخساره خورشید ز خفاش می‌رس که در این مسأله صاحب‌نظران حیراند
حافظ

خداوند بزرگ به دوست گرامی و فرهیخته و دین‌باور جناب آقای کمال‌الدین غراب در انجام اینگونه خدمت‌های ایمانی و علمی، توفیق بیشتر ارزانی فرماید. خدای را سخت سپاسگزارم که پیش از این سعادت گردآوری^۱ و بازگردان نیایش‌های پیامبر(ص) و ترجمه شیوای قرآن کریم را داشته‌اند و عرض می‌کنم: «برومند باد آن همایون درخت». امیدوارم بتوانند همین شیوه را در گردآوری نیایش‌های امامان معصوم و بزرگوار شیعه ادامه دهند و شاهد باشیم که «هردم از این باغ بری می‌رسد/ تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد».

بنده درگاه علوی: محمود مهدوی دامغانی

یازدهم دی ماه ۱۳۹۷

بیست و چهارم ربیع‌الثانی ۱۴۴۰

اول ژانویه ۲۰۱۹

۱. با اجازه استاد یادآور می‌شوم که گزینش و ویرایش نیایش‌های پیامبر(ص) نیز توسط استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمود مهدوی دامغانی انجام شده است (مترجم).

پیشگفتار مترجم

نیایش نوعی غزل است به زبان دین؛ چنانکه غزل نوعی نیایش است به زبان ادب. در غزل عاشق، معشوق خویش را توصیف می‌کند. زیبایی‌های او را بیان می‌کند، او را می‌ستاید، از هجران می‌نالند و می‌خواهد که او را از این درد رهایی بخشد. غزل چنین است: توصیف معشوق، بیان مهجور ماندن از او و طلب اینکه این هجران را به پایان برساند. از این رو غزل‌های عارفانی چون مولوی، سنایی، حافظ، و ... را می‌توان نیایش‌های ایشان شمرد به زبان ادب. نیایش نیز بدینگونه است؛ چنانکه در نیایش‌های پیامبر (ص)، علی (ع) و سایر پیشوایان (ع) هم همین حالات و افکار و نیازها و توصیفات را نسبت به معبود، که ازلی و ابدی است، می‌توان مشاهده کرد؛ ولی به زبان دین و در سطحی بی‌پرده‌تر و نیازمندانه‌تر. بی‌تردید تفاوت‌های بسیاری را می‌توان میان نیایش و غزل برشمرد، چنانکه برای نمونه از پررنگ‌تر بودن عنصر زاری و تضرع در نیایش؛ و در مقابل آهنگین بودن زبان و عشوه‌گری شاعر در غزل برای جلب توجه معشوق. ولی آنچه این دو مقوله را به هم نزدیک می‌سازد همانا اشتراک در بیان هجران و نقص و نیاز خود در پیشگاه معبود و معشوق و درخواست توجه و عنایت او به عابد و عاشق است.

نیایش از وجود انسان جدا نیست. زیرا انسان موجود ناقصی است. و خودبه‌خود نیازهایی دارد؛ و همواره یکی از راه‌ها و ابزارهایی که برای رفع نیازهای خود پیش رو می‌یافته، نیایش بوده است. نیایش، البته فقط اظهار نیاز نیست؛ بلکه فراخواندن معبود هم هست. واژه فارسی نیایش ناظر بر بعد نیازمندی انسان است و واژه عربی آن دعا ناظر بر بعد فراخواندن معبود.

در واقع هیچ نیایشی تهی از این دو بعد نیست؛ زیرا اگر نیازی وجود نداشته باشد، اصلاً دعا و نیایشی شکل نمی‌گیرد. چنانکه هیچ نیایشی بدون فراخواندن معبود برای یاری‌خواستن و کمک‌طلبیدن و احساس حضور در محضر او، معنا نمی‌دهد.

نیایش تجلی یک نیاز عمیق و جدی و غیرقابل چشم‌پوشی در درون انسان است که به بیرون سر ریز می‌کند. انسان تحت فشار و استیصال، آنجا که دیگر نیروی جسمانی و تعقل و خرد وی نمی‌تواند راهی برای نجات او بگشاید یا خواسته حیاتی او را، به گمان خودش، برآورده سازد، نیاز او در پیشگاه معبودی فرازمینی بر زبان رانده می‌شود. حتی کسانی هم که اعتقادی به معبودی فرازمینی ندارند، نمی‌توانند از برزبان آوردن و فریادزدن نیاز خود در حالت استیصال خودداری نمایند. اینان ممکن است غننامه‌ای بنویسند یا بسرایند یا به گونه دیگری آن را متجلی سازند؛ و این همان نیایش آنان است. زبان نیایش انواع گوناگون دارد.

بنابراین نیایش یک خصیصه ذاتی در درون هر انسانی است؛ همانگونه که احساس دینی یک امر ذاتی و درونی، یک جوشش، یک نهاد اصلی و یک بعد از وجود انسان است.

اما اینکه گویی وجود دارد که نیاز انسان را می‌شنود و پاسخ می‌گوید یا می‌شنود و پاسخ نمی‌گوید، یا نه می‌شنود و نه پاسخ می‌گوید، بستگی به اعتقادات انسان‌ها دارد. ادیان که در آن‌ها خدا به عنوان معبودی زنده و جاودان و حاکم بر عالم، وجود دارد، بر این اعتقاد هستند که برای شنیدن نیایش پیروان گویی هست که می‌شنود و پاسخ می‌دهد و اجابت می‌کند یا به صلاح فرد نمی‌داند و به خواهش وی پاسخ نمی‌گوید.

در اسلام، نیایش یکی از دست‌آویزهای اعتقادی و رفتاری یکتاپرستان است. فلسفه نیایش در این دین - چنانکه در همه ادیان آسمانی - کندن انسان از زمین است. هنگامی که خدا را فرامی‌خوانیم و از او یاری می‌جوییم، در واقع یک ارتباط ماوراء زمینی را برقرار کرده‌ایم؛ نگاهی به نیایش‌های پیامبر (ص) و امامان (ع) این نکته را به خوبی روشن می‌سازد؛ ولی این بدین معنا نیست که در نیایش‌های انسان نباید خواسته‌هایی مربوط به شرایط زندگی در دنیا وجود داشته باشد. نه، بلکه مهم این است که جهت‌گیری آن‌ها به کدام سو قرار گرفته است. اگر خواسته‌های مربوط به امور زندگی در دنیا در راستای ارتقاء منزلت و شأن انسان در حیات باشد و مقدمه‌ای برای جهت‌گیری روحانی او به سوی خدا و واپسین زندگی شمرده شود، می‌توان برای آن نیایش‌ها نیز ارزش معنوی و دینی قائل شد.

نیایش مقوله‌ای است که در چارچوب دین مطرح می‌شود. و از آنجا که هدف دین این است که انسان را از پوسته زمینی خود بیرون آورد و به جایی برتر از زمین ارتقاء دهد، لاجرم و به ناگزیر هدف نیایش را نیز به عنوان ابزاری در راستای هدف دین یعنی کندن انسان از زمین، باید بدانیم. بنابراین نیایش ابزاری برای نائل ساختن انسان به خواسته‌های دنیوی نیست. با قائل شدن به چنین فلسفه‌ای است که خواهیم دانست چگونه باید نیایش کنیم و در نیایش‌هایمان از معبود خود چه بخواهیم

از آنجا که نیایش انعکاس‌دهنده حاجات اشخاص است، یکی از بهترین و مطمئن‌ترین راه‌های شناخت افراد نیز هست. از روی نیایش‌های افراد، می‌توان به شناختی از منزلت وجودی آنان در عالم هستی دست یافت. پس نیایش، معیار و محک خوبی خواهد بود برای خودشناسی و نقد خویش؛ بویژه آنگاه که میان خواسته‌های خویش در نیایش‌هایمان و خواسته‌های نمونه‌های بزرگ بشری (همچون انبیاء و اولیاء) مقایسه‌ای برقرار سازیم و خود را به نقد بکشیم و ببینیم در چه مرتبه‌ای قرار گرفته‌ایم.

مولوی نیایش را یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتقاء معنوی انسان به قرب الهی می‌داند. وی معتقد است نیایش یکی از ابزارهای خداوند برای شکار انسان‌ها و نزدیک ساختن آنان به قرب خویش است. از نظر او همین که فرد روی به خدا می‌آورد، در واقع باید نیایش او را اجابت‌شده شمرد. توفیق همین است که او از زمین روی برگردانده و به آسمان روی آورده است، هرچند رویکرد او به خدا در اصل برای برآورده ساختن یک نیاز زمینی بوده است. بنابراین نیایش از دیدگاه او یک ودیعه الهی است که برای نائل ساختن انسان به قرب الهی در اختیار او گذاشته شده است. وی حتی معتقد است هرچه زمان اجابت دعا طولانی‌تر شود، در جهت کندن وی از زمین کمک بیشتری به او شده است. چنانکه در گفتگویی تمثیلی میان خدا و فرشتگان، آنجاکه فرشتگان از خدا درخواست اجابت دعای مومنی را می‌کنند، از قول خدا می‌گوید:

حق بفرماید که نه از خواریِ اوست	عین تأخیرِ عطا، یاری اوست
حاجت آوردش ز غفلت سوی من	آن کشیدش موکشان در کوی من
گر برآرم حاجتش، او وا رَوَد	هم در آن بازیچه مستغرق شود

...

هم بدین فن، دار دارش می‌کند وز ره پنهان شکارش می‌کند

...

بی‌مرادی مومنان از نیک و بد تو یقین می‌دان که بهر این بود

(مثنوی معنوی)

از نظر وی اگر خداوند به مجرد اینکه مومنی دعا کند، پاسخ او را بدهد، آن شخص از درگاه الهی دور می‌شود و می‌رود و سرگرم آن چیزی می‌شود که خواسته بود؛ همانکه وی از آن به بازیچه تعبیر کرده است. پس باید او را نگاه دارد تا بیشتر به سمت خدا برود و آنقدر خدا را فراخواند و ناله و زاری کند تا به خلوص برسد و بدین ترتیب به تدریج ارتقاء معنوی وی شکل پذیرد و محقق شود. تا آنجا که از درخواست اولیه‌اش دست بشوید و به آنچه خدا برای او در نظر گرفته راضی و خرسند شود.

بی‌گمان به تأخیر افتادن اجابت دعا می‌تواند منجر به ناامیدی شود. در حالی که اگر انسان اعتقاد داشته باشد که معبود او از خود او فهم‌تر است و مصلحتش را بهتر می‌داند، عدم اجابت دعا نباید وی را به یأس و ناامیدی بکشاند. ناامیدی فقط در ارتباط با خواسته‌های مطلقاً زمینی قابل توجیه است؛ یعنی نیازهایی که به هیچ وجه در راستای ارتقاء معنوی فرد به‌کار نمی‌آیند و بلکه موجب دورتر شدن وی از مسیر رشد و تعالی می‌شوند؛ که تشخیص آن معمولاً از حیطة فهم خود فرد بیرون است.

کسی که دعا می‌کند حتماً اعتقاد دارد که خدای او برتر، فهم‌تر و مقتدرتر از اوست و زمام همه کارها را در دست دارد و ناظر بر زندگی اوست و آنچه را که به صلاح او بداند برایش رقم خواهد زد. پس ناامیدی ممکن است حاصل عدم ایمان روشن و شناخت درست ما از وجود چنین خدایی باشد. از طرفی اجابت دعا حتماً باید در تحلیل نهایی به مصلحت اخروی فرد باشد. وگرنه با اصل فلسفه آن - که همانا کندن انسان از زمین باشد - منافات پیدا می‌کند.

در عالم واقع بعضی از دعاها اجابت می‌شوند و برخی هم اجابت نمی‌شوند. ما نمی‌توانیم بگوییم که همه دعاها ایمان باید اجابت شود. اجابت دعا بستگی دارد به اینکه از خدا چه بخواهیم و در چه مرتبه و منزلتی باشیم. چه بسا اجابت برخی از دعاها نه فقط برای زندگی اخروی ما بلکه برای زندگی دنیوی ما نیز زیان داشته باشند. نمی‌توان از خدایی که عاشق بندگان

خویش است و رحم و شفقت و محبت و آمرزش او را بر خود بایسته کرده است، انتظار داشت در سطح خواست و اراده بشر خود را پایین بیاورد و با وی هم‌نوا شود و در راستای تمایلات او عمل کند؛ که این عین ستم خواهد بود. حکایت داستان آن مارگیر در مثنوی است که دزدی مار سمی او را ربوده بود و او نمی‌دانست که مار، سمی بوده است، پس دعا می‌کرد که خدا مارش را به او بازگرداند. وقتی دید که مار، دزد را نیش زده و کشته است گفت:

در دعا می‌خواستی جانم از او	کش بیابم مار بستانم از او
شکر حق را کان دعا مردود شد	من زیان پنداشتم آن سود شد
بس دعاها کان زیان است و هلاک	وز کرم می‌نشنود یزدان پاک

یکی از آفت‌های ایمان نگاه ابزاری به دین است؛ یعنی قرارداد خدا به عنوان وسیله‌ای برای برآوردن خواسته‌های خود. درحالی که این ما هستیم که باید خود را در اختیار خدا قرار دهیم. و اسلام یعنی همین: سپردن خویش به دست خدا و تسلیم در برابر خواسته‌ها و فرمان‌های او. تفاوت است میان آنکه ما بخواهم ابزار دست خدا باشم یا خدا را ابزار خواسته‌های خود بخواهیم. همچنین خطاست که با پافشاری بر خواسته‌های خود بخواهیم خدا را بیازماییم. بلکه برعکس، باید بدانیم که ما در آزمون او قرار گرفته‌ایم. پایان نیایش برای انسان مومن باید تسلیم باشد. جز این راهی وجود ندارد.

انسان به دنیا آمده است که به درکی درست، حسی زیبا و شهودی از ذات هستی برسد. جز این هرچه هست همه فرع است. هرچه در این راستا باشد، در زندگی انسان محقق می‌شود؛ زیرا این قانون عالم است و هستی برای همین پدید آمده است. ما برای ارتقاء معنوی و درک حضور خدا به دنیا آمده‌ایم. شاید تفسیر آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (من آدمی و پری را جز برای آنکه مرا پرستند نیافریده‌ام؛ سورة الذاریات، آیه ۵۶) همین باشد. زندگی هدیه است؛ همه ابتهانات هم از این زاویه هدیه هستند. همه احکام شریعت نیز در این راستا و برای نیل به این هدف تشریع شده‌اند. نیایش را هم خدا برای همین در اختیار ما گذاشته است. نیایش‌های پیش رو، از بزرگترین و شگفت‌انگیزترین نمونه بشری و دست‌پرونده راستین اسلام و قرآن، یعنی علی^(ع)، شاهد راستینی بر این مدعاست، چنانکه راهنمای راستینی است در شیوه نیایش و آنچه از معبود خود باید خواست.

کمال‌الدین غراب

۱۳ دی ماه ۱۳۹۷